



قرار هیئت رئیسه حزب کمونیست جمهوری فدراتیو روسیه بمناسبت ۱۹۰-مین سال تولد کارل مارکس

پنجم ماه مه سال ۲۰۰۸، درست ۱۹۰ سال از تولد کارل مارکس، یکی از بزرگترین متفکران تاریخ بشری می گذرد. او به یاری فریدریک انگلس، آموزش فلسفی را که، به پرچم مبارزه خلقهای زحمتکش تبدیل شد، پایه گذاری کرد. مارکسیسم، زاده دستاوردهای پیشرفت علوم زمان خویش بود. لنین، نوشت: کارل مارکس، سه ایده آل اساسی قرن نوزدهم، یعنی فلسفه کلاسیک آلمان، اقتصاد سیاسی کلاسیک انگلیس و تئوری انقلاب سوسیالیستی فرانسه را «ادامه داد و داهیانه» به کمال رساند. توضیح ماتریالیسم دیالکتیک بر مبنای آنها، سطح آگاهی بطور کلی از جهان پیرامون و از جمله در جامعه بشری را ارتقاء بخشید.

درک ماتریالیستی تاریخ، به کشف نیروی محرک رشد بشریت منجر گردید. در سایه زحمات مارکس و انگلس، تاریخ در مقابل ما بعنوان یک پروسه قانونمند مجسم شد. آموزه های اقتصادی مارکس، مکانیزم استثمار سرمایه داری را افشا کرد. این تئوری،

شکست ناگزیر جامعه بورژوازی و گذار بشریت به سوسیالیسم را اثبات کرد و سنگ بنای ایدئولوژی کمونیستی بعنوان تئوری و برنامه جنبش کارگری در جهان گردید.

شکست انقلاب سالهای ۱۸۴۸-۹۱۸۴ اروپا، به خاک و خون کشیده شدن مدافعان کمون پاریس بوسیله نیروهای ارتجاعی در سال ۱۸۷۱، نتوانست از اطمینان راسخ و آگاهانه کارل مارکس به پیروزی انقلاب سوسیالیستی بکاهد. متاسفانه، او نتوانست شاهد گامهای اولیه آموزشهای خود باشد. ولی، با گذشت کمتر از سه و نیم دهه بعد از وفات مارکس، اولین دولت کارگران و دهقانان جهان، در روسیه تشکیل یافت. ماهیت دیالکتیکی تئوری او در باره آزاد شدن کار از قید استثمار، لنین را بر آن داشت تا صفحه تازه ای در راه تکامل آن باز نماید. اندوخته های تئوریک رهبر بلشویکها در تکامل مارکسیسم، برنامه پایه ای بود برای پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در سال ۱۷۹۱.

حاکمیت شوروی، توانائی زنده ماندن و چشم انداز سوسیالیسم را به اثبات رساند. زحمتکشان روسیه به پا خاستند و در سالهای جنگ داخلی پیروز شدند. در مجموع یک و نیم دهه بعد از تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، کشور از لحاظ میزان رشد اقتصادی، جایگاه نخست را در جهان بخود اختصاص داد. سرمایه داری غرب در اواسط قرن بیستم، سیستم کامل دولت سوسیالیستی را در مقابل خود داشت.

امروز، در آغاز قرن بیست و یکم، مارکسیسم راه رشد خود را می پیماید. کشورهایی که راه رشد سوسیالیستی را برگزیده اند، با اطمینان به آینده می نگرند. چین و ویتنام بسرعت توسعه می یابند. ارزشهای سوسیالیستی فضای جهان، از جمله آمریکای لاتین را فراگرفته است.

کارل مارکس همیشه قابلیت بالای سازگاری سرمایه داری را یادآوری می کرد. عناصر تلفیقی بازار برنامه ریزی شده دولتی جایگزین آن سیستم اقتصادی بازار گردید که، بدنبال رکود بزرگ سالهای ۹۱۹۲-۳۳۹۱ درهم ریخته بود. بر کسی پوشیده نیست که، هم ج. کینز، هم تیم ف. روزولت، با «مشی جدید» خود، پیروزی سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی را تسریع کردند. حتی، ارتجاعی ترین نیروهای

غرب نتوانستند از آشنائی با جزئیات مارکسیسم و اقتباس از تجارب سوسیالیستی اجتناب کنند.

با این همه، ماهیت سرمایه داری تغییری نکرد. سرمایه داری نمی تواند بر تضادهای آشتی ناپذیر طبقاتی فائق آید. پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری این تضادها را به خارج از محدوده خود نیز گسترش دادند. تجارب تلخ ویتنام و شیلی، صربستان و عراق اوج تجاوزگری رژیمهای سرمایه داری بود.

بسیاری چنین تصور می کنند که، شکست سوسیالیسم در اروپای شرق و اتحاد شوروی موجب سلطه سیستم سرمایه داری بر جهان شده است. در پایان قرن بیستم، ایالات متحده آمریکا نه تنها از وجود رقیب خود خلاص شد، بلکه، ذخایر و بازارهای تازه ای را هم نصیب آن نمود. اما، با گذشت کمتر از یک دهه، سرمایه داری که به مرحله گلوبالیزم رسیده بود، خود را با بحران تازه ای مواجه ساخت. به یک باره، تئوری کهنه «توسعه بی بحران» درهم ریخت. درعین حال، هنوز پنج سال نگذشته بود که، در سال ۱۹۹۸ اقتصاد «پاک» بازاری در روسیه، شکست سختی خورد.

خاک از زیر پای سرمایه داری می گریزد و بشریت را هر چه بیشتر به وادی انحطاط سوق می دهد. جامعه غرب در دریای مصرف غرق می شود. بخش بالقوه مالی اقتصاد در دنیای معاصر بر بخش تولیدی آن تفوق یافته است. درست از همین رو بحران مالی جهان که در آغاز سال ۲۰۰۸ شروع شد، بر اساس برخی ارزیابیها، به بحران ساختاری اقتصاد جهان فرا خواهد روئید.

در کشور ما سوسیالیسم موقتا با شکست مواجه گردید. امروز بسیاری از مردم روسیه و کشورهای عضو اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با چهره واقعی سرمایه داری آشنا شده اند. لیبرالها، با این بهانه که سرمایه داری «نادرست» و «جنایتکار» در روسیه تسلط یافته است، تلاش می کنند خود را تبرئه کنند. ولی، مارکسیستهای راستین می دانند که اکثریت قریب به اتفاق مردم روسیه، با شدت تمام استثمار می شوند.

سرمایه داری همیشه جنایتکار بوده است. زرق و برق مدل متمدن امروزی سرمایه داری در ایالات متحده آمریکا و اروپای غربی دستاوردهای مبارزات طولانی و سخت زحمتکشان، دستاوردهای اجتماعی، اهدائی اتحاد شوروی را باز پس گرفته و استثمار در کشورهای «جهان سوم» را تشدید کرده است.

امروز مردم روسیه به تجربه خود، صحت آن ارزیابی را که کارل مارکس یک و نیم سده پیش در مورد سرمایه داری ارائه داد، درک می کنند. استثمار شونده‌گان، معلول شدگان و محرومان از بسیاری از دستاوردهای خود، رانده شدگان از خانه و کاشانه خویش، از ساختمانهای راحت و مقاوم، محروم شدگان از امکانات بهداشت و درمان که، امکانات تامین هزینه معالجه خویش از دست داده اند، حاضرند بخاطر ۳۰۰ درصد درآمد سرمایه «به هر جنایتی دست بزنند، حتی حاضرند به زیر چوبه دار رفته و زندگی خود را به مخاطره بیاندازند». هر کسی که با دستگاه فاسد، با ماموران بی احساس و عاطفه دولتی برخوردی داشته باشد، مطمئناً در می یابد که، «حاکمیت دولتی کنونی، تنها کمیته رهبری تمام امور طبقه بورژوازی می باشد.»

میلیونها مردم روسیه، ماهیت غیر انسانی سرمایه داری را به چشم خویش می بینند، عواقب وخیم انصراف از سوسیالیسم را درک می کنند. از همین رو، رشد جمعی روحیه گردش به چپ در کشور ما یک واقعیت است. و این است علت اصلی برداشتن گامهای تازه برای وحدت نیروهای طرفدار سوسیالیسم در مقیاس جهانی.

زمان کنونی، زمانی است که جنبش جهانی سوسیالیسم، بر اساس ایده های خلاق و ترقیخواهانه مارکسیسم دوباره جان می گیرد. کشور ما این شانس تاریخی را دارد تا از بن بستی که «اصلاح طلبان» لیبرال و «موفقیت‌های دموکراسی مستقل» آن را کشانده اند، خارج شود.

برگرفته از سایت توسعه و فرهنگ

روزنامه «سووتسکایا»،

02052008

www.ayenda.org